

**بررسی اثر جهانی شدن فرهنگی، سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر ارزش های معطوف به توسعه دانشجویان
دانشگاه آزاد اسلامی منطقه یک**

سوسن سهامی^۱

چکیده

هدف این مقاله بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با ارزش های معطوف به توسعه است با توجه به این که پژوهش ها ونظریه ها نشان می دهند که مشارکت اجتماعی و عضویت در انجمن ها و به طور کلی سرمایه های اجتماعی و فرهنگی در توسعه یک جامعه نقش دارد سؤال اصلی مقاله حاضر این است که آیا دستیابی دانشجویان به سرمایه اجتماعی و فرهنگی جهت گیری آنان را به سمت ارزش های توسعه پیش بینی می کند؟ روش تحقیق پیمایش، با استفاده از پرسشنامه بود. جامعه آماری دانشجویان منطقه یک دانشگاه آزاد اسلامی است که به روش نمونه گیری خوشه های انتخاب شده و حجم نمونه ۳۲۳ نفر بوده است، پرسشنامه دارای روایی صوری وروایی سازه است. و برای پایایی آن نیز از آلفای کرونباخ استفاده کرده ایم. نتایج نشان می دهد که بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با ارزش های علم گرایی، رضایت از زندگی، عام گرایی و اعتماد رابطه مستقیم معنی دار وجود دارد. اما بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی با جهانی شدن رابطه معنی داری وجود ندارد. سرمایه اجتماعی و فرهنگی برای ارزش معطوف به توسعه پیش بینی کننده مثبت و معنی داری است در حالیکه جهانی شدن فرهنگی اثر منفی بر ارزشهای توسعه مدار داشته است. به عبارتی ارتقای سرمایه فرهنگی واجتماعی دانشجویان در ارتقای ارزش های معطوف به توسعه نقش بسزایی دارد، به عبارتی سرمایه ها یک متغیر تعیین کننده در تجهیز شناختی دانشجویان نسبت به ارزش های معطوف به توسعه است.

واژگان کلیدی: ارزش اجتماعی، توسعه، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، جهانی گرایی، عام گرایی، علم گرایی، اعتماد، رضایت از زندگی.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۱/۱۲

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۰۹/۱۸

^۱ گروه جامعه شناسی، واحد مرودشت، دانشگاه آزاد اسلامی، مرودشت، ایران (Email: so.sahami@gmail.com)

مقدمه

ارزش ها و توسعه از مفاهیم محوری در علوم اجتماعی هستند که پژوهشگران علوم انسانی - اجتماعی هر یک در پرتو چارچوب نظری خاص به طرح ابعاد مفهومی و نظری آن پرداخته‌اند. به نظر جامعه‌شناسان، ارزش‌ها هسته اصلی فرهنگ است که عمدتاً در قالب هنجارها سمت و سوی کنشگران اجتماعی را تعیین می‌کنند. بنابراین در توسعه فرهنگی ارزش‌های اجتماعی که به عنوان احکام جمعی مورد پذیرش جامعه و یا گروه قرار گرفته‌اند یکی از اهداف اساسی توسعه همه جانبه و پایدار است. علیرغم انتظار اندیشمندان کلاسیک از توسعه که رسیدن به شاخص‌های مهم در زمینه‌ی اقتصادی بوده است اما نقص چنین الگوهای اهمیت توسعه فرهنگی را هر روز آشکارتر می‌شود؛ و انتظارات جوامع بشری در سطح جهانی از توسعه را تغییر داده است. به عبارتی توسعه تنها بالا بردن تولیدات اعم از کالاها و خدمات نیست، بلکه هدف شکوفایی استعدادهای انسانی است تا جایی که زندگی انسان سرشار از خلاقیت و رضایت شود، پس توسعه فرهنگی نیز در مرکز تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی است، به عبارتی توسعه بدون توجه به بافت انسانی و فرهنگی چیزی جز دستیابی به رشد بدون روح نیست (توسلی، ۱۳۷۳: ۲۶، عربی و لشکری، ۱۴:۱۳۸۳). بنابراین دستیابی به ارزش‌های معطوف به توسعه را نباید به عنوان ابزاری صرف در راه تحقق اهداف اقتصادی دانست؛ زیرا فرهنگ ماهیتی بیش از یک نقش مکمل در توسعه دارد و باید آن را هدف غایی توسعه شمرد تولید و بازتولید فرهنگ یک اصل بی بدیل در توسعه پایدار است. به عبارتی توسعه مطلوب و پایدار منجر به شکل‌گیری ارزش‌های والای انسانی شود. یک رویکرد غالب در ایجاد ارزش‌های معطوف به توسعه در بین جوانان اهمیت و نقش ساختارهای اجتماعی و سعی در جلب مشارکت جوانان و عضویت در انجمن‌های انسجام بخش است (Johnson, 2003 et al., pp.281). در مطالعات گسترده در حوزه‌های اجتماعی، سرمایه‌ها در اشکال گوناگون به تنهایی یکی از مناسبترین گزینه‌ها در ایجاد چنین بستری است زیرا اولین تجربه‌های جوانان در حوزه مشارکت اجتماعی و عضویت در انجمن‌ها را میسر کرده و تسهیل‌کننده رشد و توسعه ارزش‌های از جمله فرهنگ معطوف به توسعه است (سهامی، ۱۳:۱۳۹۰). بنابراین از یک سو توسعه فرهنگی در هدایت، جهت‌بخشی و مدیریت نیروهای انسانی از جمله جوانان، در حرکت و خیزش جامعه به سوی توسعه همه جانبه یک عنصر کلیدی است و از سوی دیگر شاخص‌های سرمایه اجتماعی و فرهنگی بستری مناسب جهت درونی شدن ارزش‌های اجتماعی مناسب توسعه می‌باشد. بنا بر این سرمایه اجتماعی و فرهنگی همواره به عنوان یکی از عناصر مهم در اقتصاد، مدیریت منابع انسانی، سلامت اجتماعی، روانی و تقویت ارزش‌های اجتماعی مطرح است (Asimina, 2013, pp. 533; Christoforou, et.al.2014, pp. 355)؛ اندیشمندان متعددی، سرمایه اجتماعی را در مدیریت سرمایه انسانی و توسعه کمی و کیفی منابع انسانی و ارتقای حس مشترک و همکاری بین اعضای جهت دستیابی به توسعه همه جانبه و پایدار بسیار حیاتی است (Coleman, 1988, pp. 95; Putnam RD., 2001, pp.47). پژوهش‌ها در ایران نشان داده که سرمایه اجتماعی و فرهنگی به عنوان دو عامل مهم که در تسهیل توسعه جامعه به صورت مستقیم و غیر مستقیم نقش داشته است همواره در پژوهش‌های گوناگون مطرح است این سرمایه‌ها به طرق گوناگون بر عملکرد و رشد اقتصادی، اجتماعی، رفاه و سلامت جامعه اثر گذار بوده‌اند (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۷؛ شریفیان ثانی و ملکی سعید آبادی، ۱۳۸۵؛ روشنفکر و ذکایی، ۱۳۸۵؛ سعادت، ۱۳۸۵؛ فیروزآبادی و ایمانی جاجرمی، ۱۳۸۵؛ شادی طلب و حجتی کرمانی، ۱۳۸۷؛ خواجه نوری و همکاران، ۱۳۹۳؛ نوابخش و همکاران، ۱۳۹۳). به علاوه سرمایه اجتماعی با ارتقای کارآیی و بهروری عوامل تولید، انباشت سرمایه انسانی و کاهش هزینه‌ها سبب شکوفایی و توسعه اقتصادی می‌شود (رحمانی و همکاران، ۱۳۸۶؛ Kawachi, 2001; Peepa and Micheal, 2001). جهانی شدن فرهنگی از جمله رویدادهای عصر توسعه است که اثر آن بر ارزش‌های توسعه مدار مبهم بوده و با توجه به اینکه دانشجویان از جمله گروه‌های حساس و قابل‌تامل جامعه هستند هدف این مقاله بررسی اثر سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و جهانی شدن فرهنگی بر ارزش‌های معطوف به توسعه است.

ملاحظات تجربی

فرهنگ در هر جامعه به همراه ارزش و ایده آلی های اجتماعی بنیان نوآوری و شکوفایی است ارزش ها هسته ای اصلی فرهنگ و عامل کنش های انسانی هستند؛ به علاوه ارزش در جوامع و گروه های مختلف با درجات مختلفی از توسعه و پیشرفت متفاوت است و ارزش ها تحت تاثیر ساختار های اجتماعی و اقتصادی، میزان مشارکت و نوع رژیم سیاسی دگرگون می شود. بنا براین نتایج بسیاری از تحقیقات در زمینه ارزشها و توسعه تعامل بین تحول در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی جامعه با ارزش ها را نشان می - دهد (Inglhart and Baker, 2000; Schwartz and Sagie, 2000; Hofsted, 2005). ادبیات پژوهش در حوزه ارزشها و فرهنگ در ایران تغییر در ارزشها را به طور فاحش گزارش می کنند (آزاد ارمکی و غیاثوند، ۱۳۸۱؛ سهامی، ۱۳۸۱: ۴۹؛ سهامی، ۱۳۸۷). به علاوه بسیاری از پژوهشگران جامعه شناسی در حوزه توسعه و تغییرات اجتماعی، توسعه ناموزون و خواسته های ناهمگون در ایران را یکی از مسایل مهم در ایران می دانند (سیف اللهی، ۱۳۸۱؛ سرایی، ۱۳۸۱). از طرفی نیز نظریه ها و بسیاری از پژوهشهای معاصر در واکاوی توسعه در کشورهای در حال توسعه سرمایه اجتماعی را به عنوان گزینه ای بی بدیل برای دستیابی به توسعه پیشنهاد می دهند (قاسمی و همکاران، ۱۳۸۹؛ معینی و همکاران، ۱۳۸۱؛ فیروزآبادی و همکاران، ۱۳۸۵). سهامی و همکاران (۱۳۹۰) در تحقیقی به بررسی رابطه بین سرمایه های اجتماعی زنان و ارزش های توسعه مدار پرداخته است و یافته های تحقیق رابطه معنی داری بین این متغیرها را نشان می دهد. بنابراین تحقیقات متعدد این فرض را تأیید می کند که گسترش سرمایه اجتماعی بستری مناسب جهت توسعه در ابعاد مختلف را ایجاد می کند و بر همین اساس مقاله حاضر درصدد است این یافته را به توسعه فرهنگی تعمیم داده و به بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرهنگی و ارزش های معطوف به توسعه در بین دانشجویان بپردازد. در تبیین ارزش های معطوف به توسعه باید اذعان کرد که پژوهش ها نشان داده اند که بسترهای جامعه به طور عام و مولفه های سرمایه اجتماعی و فرهنگی به طور خاص در شکل گیری و توسعه نگرش، منش و درونی شدن ارزشهای بسیار نقش موثری دارند چنانچه شواهد تجربی همواره تاثیر مثبت سرمایه اجتماعی و فرهنگی بر اشکال گوناگون خصوصیات فردی و کنش های اجتماعی را تأیید کرده است؛ از جمله این پژوهش ها اثر مثبت و معنی دار سرمایه اجتماعی بر خود کارآمدی جمعی (Skrabski et al., 2005, pp. 619)، هویت اجتماعی (Christoforou, et.al. 2014, pp. 355; Asimina, 2013, pp. 533)، بهزیستی (Christoforou, 2013, pp. 719; Morgan, 2010, pp. 324; Morgan, 2011, pp. 432)، بیماری های روحی و روانی (Almedom, 2005, pp. 943 and De Silva et Kerri, 2014, pp. 231; Vyncke et al. 2013, pp. 18) را نشان داده است.

چارچوب نظری

به باور بسیاری از اندیشمندان اساس بسیاری از پیشرفت ها در هر جامعه ای تحت تاثیر ارزش ها می باشد و به عبارت بهتر، ارزش ها و فرهنگ زیر بنای جامعه انسانی است. تقدم یا تاخر ارزش ها در توسعه نزد متفکران توسعه و تغییرات اجتماعی از مباحث برجسته و قابل تامل می باشد. براساس این دیدگاه ها، جوامع توسعه یافته در برابر جوامع توسعه نیافته در ابعاد زیر از نقطه نظر ارزشی متفاوت است: ارزش کار، اعتماد، تفکر دمکراتیک، رضایت از زندگی، عام گرایی، عقلانیت، جهان گرایی، میزان مشارکت اجتماعی، فرهنگ در هر جامعه به همراه ارزش و ایده آلی های اجتماعی بنیان نوآوری و شکوفایی است به عبارتی حیات جوامع انسانی در گرو ارزش ها است و ارزش ها نقش اساسی در تبیین و پیش بینی کنش های انسانی دارند. اصطلاح توسعه به صورت فراگیر پس از جنگ دوم جهانی مطرح شده است. واژه توسعه در لغت به معنی خروج از لفاف است. در قالب نظریه نوسازی لفاف همان جامعه سنتی و فرهنگ و ارزش های مربوط به آن است. که جوامع برای متجدد شدن باید از این مرحله سنتی خارج شوند (از کیا و غفاری، ۱۳۸۴). در تعریف توسعه نکاتی را باید در نظر داشت. اولاً توسعه مقوله ای ارزشی است. ثانیاً آن را جریانی چندبعدی و پیچیده بدانیم و ثالثاً به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشت. برجستگی ارزش در فرایند تغییرات و توسعه اجتماعی در

اندیشمندان کلاسیک کنت (Comte, 1973) مارکس^۱ (۱۸۱۸-۱۸۸۳)، دورکیم^۲ (۱۸۵۸-۱۹۱۷) و وبر^۳ (۱۸۲۴-۱۹۲۰) نکته ژرف و قابل بحث است. مکتب نوسازی، از همان بدو پیدایش خود در جستجوی یک تئوری بود. این مکتب برای توضیح نوسازی کشورهای جهان سوم از هر دو نظریه «تکامل گرایی» و «کارکردگرایی» بهره گرفت. از آنجا که نظریه تکامل گرایی توانسته بود گذار اروپای غربی از جامعه سنتی به جامعه نو را در قرن نوزدهم تبیین کند، بسیاری از پژوهشگران نوسازی به این فکر افتادند که این نظریه می‌تواند نوسازی کشورهای جهان سوم را نیز توضیح دهد» (سو، ۱۳۸۰: ۳۱). ترسیم مسیر خطی برای رشد و توسعه، تفکیک میان جامعه قدیم و جامعه جدید و شکل‌گیری باورها، اعتقادات و ارزش‌های نوین در مسیر تحول جوامع از نقاط مشترک این دیدگاه می‌باشد به عبارتی سه پارادایم اثبات‌گرا، انتقادی و تفهیمی در علوم اجتماعی متفقا بر ارزش‌ها بعنوان شاه کلید تغییرات اجتماعی و مدرنیت اشاره می‌کنند به علاوه توجه به بعد فرهنگی توسعه به دنبال عدم موفقیت الگوهای صرفا اقتصادی در کشورهای درحال توسعه حاصل تلاش جمعی از روانشناسان اجتماعی بوده است که با یک چشم انداز نو برخلاف مرکانتیلیست‌ها و کلاسیک‌ها که صرفا به چگونگی انباشت و افزایش ثروت توجه ویژه‌ای داشتند به بعد روانی توسعه توجه کرد و در قالب نوسازی روانی دیدگاه خود را مطرح کردند (هتته، ۱۳۸۱)، به باور این گروه از اندیشمندان عدم تکوین ارزش‌های مدنی در فرایند توسعه چیزی جز دستیابی به رشد بدون روح نیست بنابراین هدف توسعه و بالندگی استعدادهای انسانی است (وینر، ۱۳۵۴؛ سیف زاده، ۱۳۷۵). اینگلهارت (2000) با نقد نظریه نوسازی درصد یک بازاندیشی در مباحث توسعه و ارزش‌ها است وی با طرح اصطلاح فرهنگ مدنی به دنبال بررسی نقش نوسازی اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بر ارزش‌های مدنی شهروندان است، به باور وی توسعه اقتصادی منجر به پیدایش فرهنگ مدنی می‌شود که ارزشهای موجود در فرهنگ مدنی مورد نظر اینگلهارت عبارتند از اعتماد، رضایت از زندگی، حمایت از دموکراسی و رضایت سیاسی است.

نظریه‌های اجتماعی جهانی شدن را با بررسی آرا و اندیشه‌های کارکردگرایی امریکایی آغاز می‌کنیم. این نظریه‌پردازان که در چارچوب سنت فکری دورکیم می‌اندیشند، نوسازی را عاملی ادغام‌کننده و همگون‌ساز می‌دانند. از دیدگاه آنان فرایند نوسازی با افزایش و گسترش انفکاک در حوزه‌های مختلف زندگی اجتماعی آداب و ارزش‌های خاص و سنتی را تضعیف و فردگرایی، یونیورسالیسم، سکولاریسم و عقلانیت را تقویت می‌کند؛ بنابراین انتخاب‌های عقلانی اعضا بیش از پیش رواج می‌یابد؛ گیدنز (۱۹۹۱) از جمله نظریه‌پردازانی است که در واکنش به رهیافت تقلیل‌گرا و اقتصادمحور نظریه‌پردازان نظام جهانی، به ویژه والرشتین، بر جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی فرایند جهانی شدن تأکید می‌کنند نظریه‌پردازانی مانند گیدنز و رابرتسن جهانی شدن را گسترش تجدد از جامعه به جهان و گسترش ویژگی‌های محوری تجدد در مقیاس جهانی می‌دانند (گل محمدی، ۱۳۸۱: ۱۰۱). نظریه‌پردازان پایبند به نظریه امپریالیسم فرهنگی معتقدند که تردیدی در گسترش و سلطه‌فراینده یک فرهنگ در جهان وجود ندارد، ولی این فرهنگ همان ارزش‌ها، هنجارها و باورهای قوم محور غربی است که در ظاهری عام و غیرقومی عرضه می‌شود. ادوارد سعید مدعی است که غرب به واسطه گفتمان‌های قدرت و غیرسازی، دست‌اندر کار گونه‌ای امپریالیسم و استعمار فرهنگی است. فاطمه مرنیسی هم در مقام یک روشنفکر و نظریه‌پرداز مسلمان به نقد سلطه فرهنگی غرب می‌پردازد. بر پایه نظریه امپریالیسم فرهنگی، گرچه جهانی شدن فرهنگی چونان پدیده‌ای فراتاریخی و فراملی یا نیرویی متعالی و جهانی نمودار می‌شود، ولی در واقع چیزی جز صدور کالاهای ارزش‌ها و اولویت‌های شیوه زندگی غربی نیست. آنچه در عرصه‌ی جهانی فرهنگ رایج و مسلط می‌شود، تصورات و مصنوعات و هویت‌های تجدد غربی است که صنایع فرهنگی غربی عرضه می‌کنند. این صنایع بر شبکه‌های جهانی مسلط هستند و امکان چندانی برای روابط و تبادل فرهنگی برابر، میان غرب و بقیه جهان باقی نمی‌گذارند» (گل محمدی،

^۱ Karle Marx

^۲ Emil Durkheim

^۳ Max Weber

۱۳۸۱: ۱۰۲). به علاوه به باور بوردیو (۱۹۸۶) عادت ساختار ذهنی یا شناختی است که از طریق آن انسان‌ها، ادراکات و جهان اجتماعی را ارزیابی می‌کنند و عاداتها، نظام خوی و خصلت و ارزش های که افراد کسب می‌کنند به موقعیت که در جامعه اشغال می‌کنند بستگی دارد و موقعیت فرد خود متأثر از سرمایه در عرصه اجتماعی است. که در توانایی فرد برای بهره‌مندی از منابع خاصی که در این صحنه حاصل می‌گردد و مؤثر واقع می‌شود سرمایه اساساً به سه صورت دیده می‌شود: اقتصادی (دارایی مالی و مادی)، فرهنگی (کالا، مهارت‌ها و عناوین نمادین کمیاب) و اجتماعی (منابعی که به صرف عضویت در گروه به فرد تعلق می‌گیرد). بنابراین وضعیت و موقعیت هر فرد، گروه یا نهاد در فضای اجتماعی به وسیله دو خصوصیت ترسیم می‌شود، ترکیب و حجم سرمایه‌ای که آن‌ها به دست آورده و در اختیار دارند (راب استونز، ۱۳۸۱). بنا براین برخورداری از سرمایه‌ها از یک سو و فرهنگ جهانی از سوی دیگر تغییراتی را در ارزش های افراد ایجاد می‌کند که شناخت و ابهام زدایی از چهره‌ای آن بسیار سودمند است.

فرضیه پژوهش

سرمایه اجتماعی، فرهنگی و جهانی شدن بطور معناداری قادر به پیش‌بینی ارزش های معطوف به توسعه می‌باشد.

روش شناسی

در این تحقیق از روش کمی استفاده می‌گردد. پژوهش‌های کمی دارای انواع مختلفی است که یکی از انواع پر کاربرد و مهم آن پیمایش است (Doas, 2004). در پیمایش اجتماعی از شیوه های مختلفی برای جمع آوری اطلاعات استفاده می‌کنند. پرسشنامه یکی از ابزار های مهم متداول برای جمع آوری اطلاعات پیمایشی است. بنابراین ابزار اصلی برای گردآوری داده ها در این پژوهش، پرسشنامه است. جامعه آماری تحقیق دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی منطقه یک است. روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای است ابتدا دانشگاه های منطقه (مرودشت، شیراز، آباد، جهرم، استهبان و فیروز آباد) سپس دانشکده ها (پایه، علوم انسانی، مهندسی، پرستاری) و پس از آن در هر دانشکده کلاس های به تصادف انتخاب شدند و حجم نمونه ۳۲۳ نفر بوده.

ابزار پژوهش

ارزش های معطوف به توسعه

فرهنگ و ارزش ها در دیدگاه‌های جامعه شناسی توسعه و تغییرات اجتماعی جایگاه ویژه داشته و براساس دیدگاه های توسعه جوامع توسعه یافته در برابر جوامع توسعه نیافته در ابعاد زیر از نقطه نظر ارزشی متفاوت است: ارزش کار، اعتماد، تفکر دمکراتیک، رضایت از زندگی، عام‌گرایی، عقلانیت، جهان‌گرایی، میزان مشارکت اجتماعی. بررسی جهت‌گیری ارزشی معطوف به توسعه موضوع و محور اصلی مقاله‌ی حاضر است که سهامی از سال ۱۳۸۸ در تلاش برای عملیاتی کردن این ساز و دست یافتن به درونه‌ی محتوای مفهوم ارزش های معطوف به توسعه ابتدا تعاریف گوناگون مفهومی و نظریه‌های موجود در سازه را جمع آوری و در نهایت بر اساس ابعاد، شاخص‌ها و معرف رفتاری هر سازه پرسش‌های در شکل مقیاس لیکرت با طیف های پنج قسمتی طراحی کرده است. و روایی صوری و محتوای پرسش‌ها توسط اشخاص متخصص تایید گردیده است. روایی و پایایی مقیاس‌ها ابتدا در سالهای ۱۳۸۸ در نمونه از زنان شهر شیراز و در سال ۱۳۹۴ با نمونه دانشجویان ارزیابی و تایید شده مقیاس ارزش های معطوف به توسعه مشتمل بر ۵ بعد و ۲۹ پرسش در مقیاس لیکرت است که با طیف ۵ درجه‌ای و با درجات فوق العاده موافقم (۵) خیلی موافقم (۴)، موافقم (۳)، مخالفم (۲)، کاملاً مخالفم (۱) تنظیم گردیده است. این بعد ها شامل رضایت از زندگی (۹ گویه)، علم‌گرایی (۷ گویه)، جهانی‌گرایی (۶ گویه)، عام‌گرایی (۴ گویه) و اعتماد سیاسی (۳ گویه) است. در این پرسشنامه برای سنجش اعتبار، از اعتبار سازه‌ای با روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. در تحلیل عاملی اکتشافی این مقیاس آزمون بارتلت^۱ و KMO^۲ استفاده گردید که مقدار KMO برای ماتریس همبستگی پرسش‌ها ۰/۷۵ و مقدار آزمون بارتلت درخصوص

¹ Bartlett test of sphericity

² kaiser-meyer olkin

کفایت محتوای پرسشنامه با ۸۹۹/۱۷۴، در سطح $P < .0001$ معنادار بود. مقادیر ویژه در هر پنج عامل مشخص شد که بر روی هم ۴۶/۵۸ درصد واریانس مقیاس ارزش های معطوف به توسعه را تبیین می کنند. پایایی این پرسشنامه بر اساس آلفای کرونباخ (آلفاها تماماً بالای ۰/۷۰) و روش دونیمه کردن (آلفاها تماماً بالای ۰/۷۰) بررسی شد که پایایی کل و ابعاد در سطح مطلوبی بوده است با توجه به اهداف تحقیق از چرخش واریماکس در تحلیل عاملی استفاده شده است. که آزمون کرویت بارتلت آن نیز معنی دار است.

جهانی شدن فرهنگی

جهانی شدن فرهنگ را می توان جهانگیر شدن فرهنگ و تمدن غربی دانست. بر اساس چنین دیدگاهی، برخی نظریه پردازان عقیده دارند که فرایند جهانی شدن گونه ای همگونی فرهنگی را نیز به همراه دارد، که گسترش فرهنگ غرب و تجدید به جهان است، ولی به طور کلی می توان سه جنبه کلی آن عبارتند از گسترش تجدید غربی، فرهنگ مصرفی سرمایه داری و جهانی شدن فرهنگ امریکایی (Pronis, 2006:208; Mac Mishel, 2004; xxxiii). گیدنز برجسته ترین وجه جهانی شدن فرهنگی را می توان جهانگیر شدن ویژگی های محوری تجدید دانست. شاخص های این مفهوم شناخت و مصرف جشن های جهانی مثل والتاین، غذاها، مصرف کالاها غربی، استفاد از مدهای روز و این مقیاس شش سوال یا مقیاس لیکرت و طیف پنج قسمتی خیلی زیاد (۵) زیاد (۴) کم (۳) خیلی کم (۲) اصلاً (۱) نیز توسط سهامی (۱۳۸۷) طراحی و از روایی و پایایی مناسب برخوردار بوده است.

سرمایه فرهنگی

در تعریف مفهوم سرمایه فرهنگی بوردیو در درجه نخست به معلومات کسب شده مانند با فرهنگ بودن، دست داشتن در حوزه خاصی از دانش و... اشاره دارد و در درجه بعد به عینیت یافته های فرهنگ مانند اموال فرهنگی از قبیل تابلوها، کلکسیون های مختلف، اجناس عتیقه و... و نهایتاً به اشکال نهادینه شده مانند مدارک تحصیلی و موقعیت های شغلی همچون معلم، پزشک، کشیش، شهردار می پردازد. سهامی در سال ۱۳۷۸ برای اولین بار این سازه را با استفاده پرسشنامه ای سرمایه فرهنگی که اولین بار برای ارزیابی سرمایه فرهنگی توسط بوردیو برای نگارش گزارش تحقیقی برای یک مرکز جامعه شناسی اروپا نوشته شده است (Savage & Bennet, 2002: 125). استفاده کرده این مقیاس ده رفتارهای داشته که براساس آن ده سوال طراحی شده که با انجام مطالعه متعدد با استفاده از تحلیل عاملی سئوالات به هشت گویه کاهش یافته است و بدین ترتیب ۸ سئوال باقی مانده از روایی سازه ای برخوردار است. آزمون کرویت بارتلت آن نیز معنی دار است ($Bartlett's Test = 903.70, sig = 0.01, \alpha = 0.05$). برای اندازه گیری پایایی این مقیاس نیز از آلفای کرونباخ استفاده کرده ایم که α نیز ۰/۸۱ بوده است.

پرسشنامه سرمایه اجتماعی: ساخت و اعتبار یابی این مقیاس توسط سهامی (۱۳۸۷) آغاز شده، وی در تلاش برای عملیاتی کردن سازه سرمایه اجتماعی و دست یافتن به درونه ی محتوای مفهوم ابتدا تعاریف مفهومی، نظریه و پژوهش های موجود در ارتباط با سازه را جمع آوری و بر اساس ابعاد، شاخص ها و معرف رفتاری سازه، پرسشهای در شکل مقیاس لیکرت با طیف های پنج قسمتی طراحی کرده و روایی صوری و محتوای پرسش ها توسط اشخاص متخصص تایید گردیده است. سپس در مطالعه متعدد با استفاده از نرم افزار spss و شاخص های آماری مناسب روایی و پایایی مقیاس ها بارها مورد ارزیابی قرار گرفته و تایید شده است (سهامی و همکاران، ۱۳۹۰؛ سهامی و کشتکار، ۱۳۹۲؛ سهامی و اربابی، ۱۳۹۱). مقیاس سرمایه اجتماعی شامل پنج بعد، دوستان با نفوذ، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، اعتماد سیاسی و اعتماد به خانواده و ۲۴ گویه در مقیاس لیکرت با طیف ۵ درجه ای با درجات فوق العاده موافقم (۵) خیلی موافقم (۴)، موافقم (۳)، مخالفم (۲)، کاملاً مخالفم (۱) تشکیل گردیده است. در این پرسشنامه برای سنجش اعتبار، از اعتبار سازه ای با روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شده است. و به طور کلی این مقیاس ۶۱ درصد واریانس های مقیاس سرمایه اجتماعی را تبیین می کند. در این آزمون $Kmo = .832$ و $Bartlett's Test of sphericity = 2.249, p = .000$ که برای همه عوامل ذکر شده، مطلوب گزارش شده است. برای پایایی بعد ها از آلفای کرونباخ استفاده شده که

آلفا ها عبارتند از: دوستان با نفوذ (۰/۸۲)، اعتماد اجتماعی (۰/۸۳)، مشارکت اجتماعی (۰/۸۳)، اعتماد سیاسی (۰/۷۶) و اعتماد به خانواده (۰/۶۵) (سهامی، ۱۳۹۱، ص ۲۵۵). روش تجزیه تحلیل در این پژوهش، با استفاده از نرم افزار Amos انجام شده است. در ابتدا یک مدل معادله ساختاری که بر اساس چارچوب نظری طراحی شده سپس شاخص های برازش مدل مورد بررسی قرار می گیرد

یافته ها

فرضیه پژوهش: سرمایه اجتماعی، فرهنگی و جهانی شدن بطور معناداری قادر به پیش بینی ارزش های معطوف به توسعه می باشند. «شناخت علمی لازمه هر دانشی است و بدون آن تحقیق علمی در معنای واقعی آن صورت نمی گیرد. تحلیل مسیر یکی از ارکان هر تحقیق است که شناخت علیت را مطمح نظر دارد» (ساروخانی، ۸۲: ۴۹). «در نمودار مسیر باید متغیرها را بر اساس نظم علی مرتب کرد. متغیرهایی که در تحلیل وارد می کنیم ترتیب قرار گرفتن آنها در مدل و فلش های نشان دهند رابطه علی همه به تصمیم ما بستگی دارد (دواس، ۱۳۸۳: ۲۲۲). از تحلیل مسیر برای کشف علت ها استفاده نمی شود. بلکه این روش در مورد مدلهایی به کار می رود که بر مبنای دانش و ملاحظات نظری تدوین شده باشند. به قول رایت: منظور از این روش، ترکیب اطلاعات کمی مأخوذ از ضریب های همبستگی با اطلاعات کیفی موجود درباره روابط علی به صورتی است که یک تفسیر کمی حاصل شود (کرلینجر، ۸۶: ۴۱۶-۴۱۷).

سرمایه ها در ابعاد اجتماعی، فرهنگی و جهانی شدن فرهنگی همواره در امر توسعه تأثیر به سزایی داشته در این تحقیق نیز ما برای تبیین ارزش های توسعه مدار و روابط علی مدل را طراحی کرده ایم که این مدل بر اساس مبانی نظری به صورت مدل نظری در فصل دوم ارائه شده است سپس آن مدل نظری را با استفاده از رگرسیون به صورت مدل آماری ارائه می دهیم. بر اساس مدل آماری سرمایه ها به طور مستقیم بر ارزش های توسعه تأثیر داشته است. تأثیر هر سه بر ارزش های توسعه مدار مثبت بوده است و کلیه ضریب های مسیر بزرگتر ۰/۵ است و به لحاظ آماری معنی دار هستند؛ بنابراین با توجه به مدل نظری تحقیق که سرمایه ای را به عنوان عوامل مؤثر مثبت توسعه در نظر گرفته اند. نتایج یافته های این تحقیق نیز نشان می دهد که سرمایه های اجتماعی و فرهنگی و جهانی شدن فرهنگی بر ارزش های توسعه مدار (جهانی گرایی، عام گرایی، علم گرایی، عقلانیت، اعتماد و رضایت از زندگی) تأثیر مثبتی را نشان می دهد. از بین سرمایه های مطرح شده سرمایه فرهنگی از تأثیر بیشتر ($P=0.0256$) و خطای کمتری (۰/۴۴) برخوردار است. پس از آن بیشترین تأثیر مربوط به سرمایه اجتماعی است که از ضریب تأثیر بالاتری برخوردار است و کمترین تأثیر بین این سه سرمایه مربوط به سرمایه اقتصادی است. مدل ساده اما حاوی نتایج بسیار حایز اهمیت است، زیرا در تأیید مدل نظری و چارچوب نظری اهمیت سرمایه فرهنگی و اجتماعی را در عرصه ارزش ها و توسعه نشان می دهد. به عبارتی سرمایه ها در ایجاد تجهیز شناختی افراد جامعه به خوبی عمل کرده اند و این توانایی را از خود نشان داده که حتی ارزش ها را که عناصر ریشه دار و عمیق فرهنگی هستند و به ندرت دچار تغییر شده یا اگر تغییراتی را در آنها می بینیم بسیار کند و بطئی است را دگرگون می کنند. جهانی شدن اجتماعی و فرهنگی بر اساس یافته ها ماتریس همبستگی تأثیر مستقیمی بر ارزش های توسعه مدار نداشته اما بر اساس دیدگاه

فوکو ز جهانی شدن به عنوان یکی از عناصر مهم در تولید سرمایه اجتماعی نقش داشته است بنابراین در مدل آماری نهایی به بررسی تأثیر جهانی شدن بر سرمایه پرداخته ایم و مدل آماری ۱ را ارائه کرده ایم.

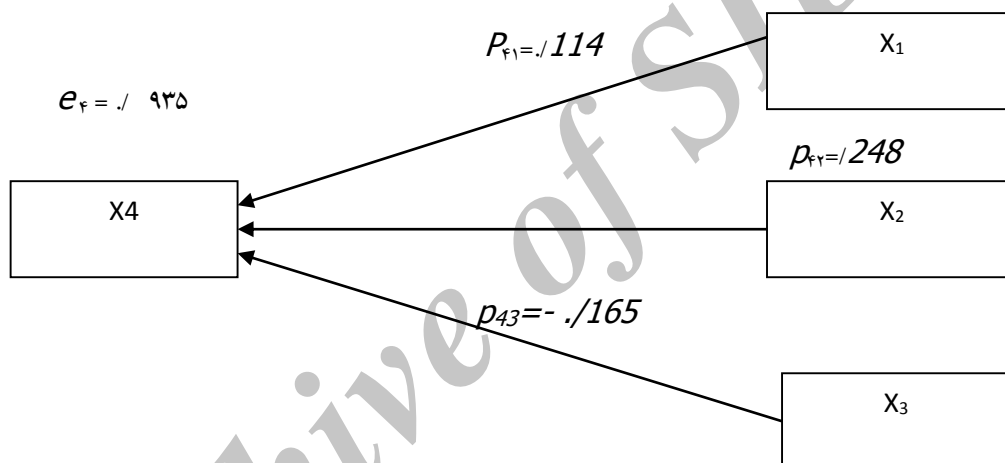
جدول (۱): نتایج تحلیل رگرسیون ارزش توسعه مدار از روی سرمایه اجتماعی و فرهنگ جهانی شدن فرهنگی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	بتا	t	p	R	R ²	F	df	p
سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	۰/۱۱۴	۱/۹۷۵	۰/۰۰۰	۰/۳۲۱	۰/۱۰۳	۱۱/۵۸۷	۳	۰/۰۰۰
ارزش های توسعه مدار	سرمایه فرهنگی	۰/۲۴۸	۴/۱۸۵	۰/۰۰۰			۹۱/۶۶	۳۰۳	

جهانی شدن اجتماعی	-۰/۱۶۴	-۲/۹۳۴	۰/۰۰۴			۳۰۶
-------------------	--------	--------	-------	--	--	-----

برای آزمون این فرضیه از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش همزمان (ورود) استفاده می‌کنیم. از نتایج آزمون تحلیل واریانس [$F(11/58)=91/66$ ، $p<۰/۰۱$] می‌توان استنباط کرد که بین متغیرهای پیش‌بین (سرمایه اجتماعی و فرهنگ جهانی شدن فرهنگی) و متغیر ملاک (ارزش های توسعه مدار) رابطه خطی معنی دار در سطح ۰/۰۱ وجود دارد و سرمایه اجتماعی و فرهنگ جهانی شدن فرهنگی به طور معنی دار قادر به پیش‌بینی تعهدسازمانی می‌باشند. مجذور ضریب همبستگی چندگانه (ضریب تعیین) برابر با ۰/۱۰۳ است، این بدان معنی است که سرمایه اجتماعی و فرهنگ و جهانی شدن فرهنگی رویهم ۱۰ درصد واریانس متغیر ارزش های توسعه مدار را تبیین می‌کنند. با مراجعه به ستون بتا (ضرائب استاندارد رگرسیون) می‌توان استنباط کرد که از بین سرمایه اجتماعی و فرهنگ جهانی شدن فرهنگی، سرمایه فرهنگی چون نسبت به ارزش های توسعه مدار، بتای بزرگتری دارد (۰/۲۴۸) پیش‌بین قوی‌تری برای ارزش توسعه مدار می‌باشد

تحلیل مسیر ارزش‌های توسعه مدار و سرمایه‌ها



X_1 = سرمایه اجتماعی

X_2 = سرمایه فرهنگی

X_3 = جهانی شدن فرهنگی

X_4 = ارزش‌های توسعه مدار

$$Z_4 = -.580z_3 + .376z_2 + .107z_1 + e_4$$

بحث و نتیجه‌گیری

توجه به عامل سرمایه در تحقق اشکال مختلف توسعه همواره مورد توجه صاحب‌نظران بوده است. امروزه ادبیات توسعه در مبحث سرمایه حاوی صورت‌های متعدد از این مفهوم بوده است. نخست اقتصاددانان با تعابیر اقتصادی از توسعه به سرمایه فیزیکی و نیروی کار جستجو می‌کردند. در دهه ۱۹۶۰ نئو کلاسیکها ایده‌ی سرمایه انسانی را مطرح نمودند و سپس مفهوم سرمایه اجتماعی وارد ادبیات علوم اجتماعی به خصوص جامعه‌شناسی می‌شود. بوردیو و کلمن بر اهمیت روابط اجتماعی و هنجارهای مشترک در رفاه اجتماعی و کارآمدی اقتصادی تأکید کرده‌اند. سرمایه اجتماعی امروز در کنار دیگر سرمایه‌ها به عنوان یک عامل مهم در توسعه

در نظر گرفته می شود. در باور برخی اندیشمندان سرمایه اجتماعی اکسیر شفافبخش همه دردهای جامعه است» (کواچی^۱ و همکاران ۱۹۹۹)؛ کنکاک^۲ و کیفر^۳ (۱۹۹۷) پانتام (۲۰۰۰) هوگ^۴ و درکز^۵ به نقل از از کیا و غفاری، ۱۳۸۲: ۳۸۶).

در کشورهای توسعه نیافته شاید حلقه مفقود توسعه را بتوان سرمایه اجتماعی دانسته زیرا سرمایه اجتماعی با تسهیل روابط سبب کاهش هزینه ها می شود. غنی سازی کنش های اجتماعی، بالا بردن کیفیت، هدف و مفهوم زندگی از دیگر ره آوردهای سرمایه اجتماعی است. بنابراین سرمایه اجتماعی به تدریج به عنصر حیاتی توسعه اقتصادی در سرتاسر جهان تبدیل می شود. یافته نشان می دهد که سرمایه اجتماعی به تقویت فرهنگ و ارزش توسعه مدار کمک می کند. تحقیقات متعدد بین فرهنگ ها نشان داده که ارزش های فرهنگی در بین فرهنگ ها متفاوت است. شوارتز و اینگلهارت در تحقیقات متعدد نشان داده که توسعه اقتصادی - اجتماعی جامعه تأثیر مستقیم بر جهت گیری ارزشی افراد داشته است (شوارتز، ۲۰۰۶؛ شوارتز، ۲۰۰۰؛ اینگلهارت؛ الیک و رالو، ۲۰۰۴). در تحقیق حاضر نیز شاخص های پایگاه اجتماعی - اقتصادی که عبارتند از سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با ارزش های توسعه مدار ارتباط معنی داری داشته به عبارتی سرمایه ها به طور عام و سرمایه فرهنگی و اجتماعی به طور خاص توانسته یک تجهیز شناختی برای افراد به وجود آورد، به طوری که جمعیت نمونه که از سرمایه بالای اجتماعی و فرهنگی برخوردار هستند. جهت گیری مثبت و قوی ای نیز به سمت ارزش های توسعه مدار داشته اند.

همین طور که در مدل می بینیم جهانی شدن فرهنگی نیز اثر منفی بر ارزش ها داشته است در بحث ایجاد ارزش های جدید همان طور که قبلاً ذکر آن رفت، اندیشمندان معتقدند که در کشورهای در حال توسعه به دلیل دخالت های دولت در امر فرهنگ پس ایجاد کنند و هدایت کننده آن نیز انتظار می رود دولت باشد، بنابراین هرگاه مشاهده شود که ارزشی مانند عام گرایی در یک چنین کشوری کاهش یافته است. باید دولت را مسؤول چنین روندی بدانیم، از طرفی فوکویما نیز معتقد است دولت در امر تولید سرمایه اجتماعی بایستی کمتر دخالت کند؛ زیرا به اعتقاد او مبنای همکاری عادت است و اگر دولت در سازماندهی همه چیز دخالت کند، مردم به دولت وابسته می شوند و توانایی خودجوش خود را برای کار کردن با یکدیگر از دست می دهند و به اعتقاد او این مسأله سبب فرسایش اعتماد افقی می شود و در صدر همه این دلایل می توان به انگیزه های فرهنگی برای حفظ قلمرو کنش فرد و ابتکار فرد در ایجاد سازمان هایی که محصول به هم پیوستن مردم جهت ایجاد جامعه مدنی اند، صدمه بزند. اگر این گزاره ها را در کنار یافته های تحقیق قرار دهیم که نشان می دهد در این جامعه برخی ارزش های مهم مانند عام گرایی، اعتماد و ... که برای تشکیل یک جامعه مدنی لازم است، دچار فرسایش شده است، به نتایج قابل توجهی خواهیم رسید و آن این است که در جامعه ما تنها گزینه یا به عبارت بهترین گزینه برای ایجاد یک جامعه با ارزش های توسعه ای و مدرن، ایجاد محیط امن و باثبات برای کنش و واکنش مردمی است. به طوری که اعتماد به صورت خودجوش در نتیجه تکرار کنش و واکنش های شکل گرفته و افراد عقلانی به ظهور می رسند، به عبارت بهتر مردمی که از قدم زدن در خیابان بترسند، هرگز نمی توانند با هم انجمن تشکیل دهند، داوطلبانه دست به کاری بزنند، رای بدهند یا از حقوق هم حمایت کنند. در واقع با توجه به ویژگی های این جامعه تنها نقش دولت ایجاد بستر مناسب و امن برای کنش است. در غیر این صورت از توسعه به معنای واقعی آن تحقق نمی یابد.

جهانی شدن از دیگر متغیر های مستقل مدل نظری مورد نظر است. جهانی شدن واقعیتی است که در باب توسعه بعضاً به عنوان عامل ایجاد کننده یا بازدارنده توسعه مورد ستایش و نکوهش قرار گرفته است تا جایی که حتی برخی اندیشمندان معتقدند فرایند جهانی شدن سبب قطبی شدن جهان شده و فاصله بین شمال و جنوب را هر روز عمیق تر و گسترده تر می کند. برخی اندیشمندان آن

¹ Kawachi

² Kanack

³ Keefer

⁴ Hooghe

⁵ Derks

را مقارن با غربی شدن و آمریکایی شدن می‌دانند و حتی آن را به زیان کشورهای در حال توسعه می‌دانند. نهایت این که جهانی شدن برای توسعه اجتماعی با توجه به ابعاد و شاخص‌های مختلفی که برای آن لحاظ می‌شود می‌تواند پیامدهای مختلف را به دنبال داشته باشد. به عبارتی گستردگی ابعاد جهانی شدن از یک سو و تناقض در نتایج آن از سوی دیگر سبب می‌شود که نتوان دیدگاه‌ها و رویکردهای مشخص را در زمینه ارتباط توسعه و جهانی شدن یافت. با توجه به فرایند و ابعادی از جهانی شدن (جهانی شدن فرهنگ و اجتماعی) که در این پژوهش به آن توجه شده است، آن‌چنان که نتایج نشان می‌دهد آن دو بر ارزش‌های توسعه-مدار تأثیری نداشته است که این مسأله می‌تواند از یک سو به جوان بودن کشور در امر جهانی شدن فرهنگی و اجتماعی بازگردد و از سوی دیگر این که مسأله جهانی در داخل جامعه نیز با چالش جدی مواجه بود مانند عدم شکل‌گیری برخی جنبه‌های جهانی شدن در سطح کلان اقتصادی و سیاسی و عدم توجه مدیریت سیاسی به اصلاحات ساختاری و سیاست نولیبرالی مورد نظر شوالیای جهانی سازی در ایران است، به عبارتی فرایند جهانی شدن در ایران ناموزون است. جهانی شدن تنها در برخی ابعاد و به صورت سطحی در ایران وجود دارد و از آن جایی که ارزش‌ها عمیق و ریشه‌دار هستند از بخش‌های زیرین فرهنگ و جزء ایستارهای بود و علاوه بر این بازتاب جامعه‌پذیری شخصی به طور کلی، به ویژه جامعه‌پذیری در سال‌های اولیه زندگی است.

بنابراین از طریق ترغیب‌های عقلانی ظرف یکی و دو روز پذیرفته یا رد نمی‌شود. «به عبارتی ارزش‌ها کمتر شناختی و بیشتر عاطفی بود و نسبتاً پایدار هستند. ارزش‌های مؤلفه‌های عاطفی نسبتاً نیرومندی هستند» (اینگلهارت، ۱۳۸۲: ۴۱۷-۴۱۸). مسلماً خیزش ارزش‌های جدید نیاز به تحولات عمیق‌تر در ساختارهای جامعه داشته با تغییرات سطحی و آن هم تنها در ابعاد مادی فرهنگ تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت. به علاوه مسایل داخلی کشور نیز می‌تواند تأثیرات جهانی را خنثی کند. چنان‌که شولت در مباحث مربوط به توسعه اجتماعی و جهانی شدن بر سه موضوع انسان، عدالت اجتماعی و دموکراسی تأکید می‌کند. اما او معتقد است که امنیت انسانی با مسایل مربوط به عدالت اجتماعی رابطه‌ای تنگاتنگ دارد. اگر در یک جامعه عدالت نباشد، بعید است که در آن صلح، مراقبت کافی از محیط زیست، رشد آزادانه هویت یا انسجام اجتماعی تحقق پیدا کند (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۴: ۳۷۹). به عبارتی شکل‌گیری و تحقق توسعه اجتماعی با مؤلفه‌هایی هم‌چون کیفیت زندگی، تحقق برابری و عدالت اجتماعی، نیل به یکپارچگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی در قالب بسط انجمن و نهادهای مدنی تقویت می‌شود و این قابلیت نمی‌تواند تنها متأثر از عوامل جهانی باشد بلکه تحت تأثیر عوامل داخلی نیز است؛ بنابراین در کشوری که عدالت و امنیت سیاسی وجود ندارد بعید است مشارکت آزادانه، اعتماد و ... نیز رشد کنند.

منابع

۱. ازکیا، م. و فیروزآبادی، س.ا. (۱۳۸۷)، بررسی سرمایه اجتماعی در انواع نظام‌های بهره‌برداری از زمین و عوامل مؤثر بر تبدیل بهره‌برداری‌های دهقانی به تعاونی، نامه علوم اجتماعی، بهار، ۱۶ (پیاپی ۳۳): ۷۷-۹۸.
۲. توسلی، غلامعباس (۱۳۷۳). جامعیت مفهوم توسعه و رایانه آن با فرهنگ. فرهنگ توسعه. شماره ۱۵ سال ۳.
۳. خواجه نوری بیژن، برنریان لیلیا، همت صغری (۱۳۹۳). مطالعه رابطه سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی و هویت اجتماعی مطالعه موردی: جوانان شهر: مطالعات ملی، بهار ۱۳۹۳، دوره ۱۵، شماره (۵۷) 1 ;
۴. دواس. دی. ای. (۱۳۸۳)، پیمایش در تحقیقات اجتماعی (ترجمه هوشنگ نایی)، تهران، نشر نی.
۵. ذکایی محمد سعید؛ روشنفکر، پیام (۱۳۸۵). « جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه ». فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، زمستان ۱۳۸۵، ۶ (۲۳): ۱۱۳-۱۴۶.
۶. راب استونز، راب (۱۳۸۱). متفکران بزرگ جامعه‌شناسی. ترجمه مهرداد میرداماد، تهران: انتشارات مرکز.

۷. رحمانی، ت. و عباسی نژاد، ح. و امیری، م. (۱۳۸۶)، بررسی تاثیر سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی ایران مطالعه موردی: استانهای کشور با روش اقتصاد سنجی فضایی، فصلنامه پژوهش اقتصادی، سال ششم، شماره دوم، تابستان.
۸. روشن فکر، پ. و ذکایی، م. (۱۳۸۵)، جوانان، سرمایه اجتماعی و رفتارهای داوطلبانه، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، زمستان ۱۳۸۵/۶، (۲۳): ۱۱۳-۱۴۶.
۹. سرایی، حسن و هاشم زهی، نوروز (۱۳۸۱). شرایط اجتماعی و گفتارهای روشنفکری در آستانه انقلاب مشروطه. مجله جامعه شناسی ایران، دوره ی چهارم، شماره ۳، ص ۱۱۴-۸۱.
۱۰. سعادت، ر. (۱۳۸۵)، تخمین سطح و توزیع سرمایه اجتماعی استان ها، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، زمستان ۱۳۸۵/۶؛ (۲۳): ۱۷۳-۱۹۵.
۱۱. سهامی، سوسن؛ زهرا، خدادادی؛ صادق، رحیمی (۱۳۹۰). « رابطه بین سرمایه اجتماعی فرهنگی با ترمز اجتماعی ». مجموعه مقالات برگزیده همایش نظم و امنیت، شیراز، صص ۱۹۵-۲۱۳.
۱۲. سهامی، سوسن؛ سرایی، حسن؛ کلدی، علی رضا؛ (۱۳۹۰) رابطه سرمایه اجتماعی با ارزش های معطوف به توسعه زنان. رفاه اجتماعی « پاییز ۱۳۹۰ - شماره ۴۲، صفحه - از ۲۵۵ تا ۲۸۰.
۱۳. سو، الوین (۱۳۸۰). تغییرات اجتماعی و توسعه. ترجمه محمود حبیبی مظاهری، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۴. سیف اللهی، سیف الله (۱۳۸۱). جامعه شناسی مسایل اجتماعی ایران. تهران: موسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا.
۱۵. فیروزآبادی، س. و ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی و توسعه اقتصادی- اجتماعی در کلان شهر تهران، فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، زمستان ۱۳۸۵؛ (۲۳): ۱۹۷-۲۲۴.
۱۶. نوابخش مهرداد، رضایی محمد، رحیمی ماریا (۱۳۹۳). بررسی رابطه میزان اعتماد شهروندان با میزان مشارکت اجتماعی آنان (مطالعه موردی: شهر ایلام). مطالعات جامعه شناختی شهری (مطالعات شهری)، بهار ۱۳۹۳، دوره ۴، شماره ۱۰، از صفحه ۱ تا صفحه ۲۷.
۱۷. هنته، پزورن (۱۳۸۱). تئوری توسعه و سه جهان. ترجمه احمد تقی پور، تهران: نشر قومس.
۱۸. وینر، م. (۱۳۵۴)، نوسازی جامعه (ترجمه مقدم مراغه ی)، تهران، فرانکلین.

19. Almedom AM (2005) Social capital and mental health: an interdisciplinary review of the primary evidence. *Social Science & Medicine*. 2005, 61: 943-964.
20. Asimina, C. (2013). On the identity of social capital and the social capital of identity. *camb.j.Econ*, 4(37), 719-736.
21. Bourdiue, P. (1986), *The Forms of Capital*, in j.G Richard son. *The handbook of theory and research for sociology of education*, New York, Greenwood press.
22. Christoforou, A. (2013) 'On the identity of social capital and the social capital of identity', *Cambridge Journal of Economics*, 37(4): 719-736.
23. Christoforou, A. and J. Davis, eds (2014) *Forthcoming in Social Capital and Economics: Social Values, Power, and Identity*. London: Routledge.
24. Coleman, J. (1988). "Social capital in the creation of human capital", *American journal of sociology*, Vol. 94, Pp. 95-120.
25. Coleman, J. (1988a). "The creation and destruction of social capital: implications for the law", *Notre Dame Journal of Law, Ethics and Public policy*, vol. 3, pp. 375-404.
26. Coleman, J.S. (1990), *Social capital in the creation of human capital*, *American Journal of Sociology*, 94, Pp: 95-120.
27. Comte, A. (1973), *System of Positive Polity*, New York: Burt Franklin.
28. De Silva MJ, McKenzie K, Harpham T, Huttly (2005) SRA: Social capital and mental illness: a systematic review. *Journal of Epidemiology and Community Health*. 2005, 59: 619-627. 10.1136.
29. Durkheim, E. (1964), *the division of labor in society*, New York, press.
30. Giddens, A. (1991), *the consequences of modernity*, Stanford, Stanford University press.
31. Hooghe, M. & Derks, A. (1997), *Voluntary Associations and the Creation of Social Capital: the Involvement Effect of Participation* paper presentation at the European consortium for political research joint session, vFebruary/March Bern. Arrick L.
32. Jackson, John E. Wade, (2005) "Police perceptions of social capital and sense of responsibility: An explanation of proactive policing", *Policing: An International Journal of Police Strategies & Management*, Vol. 28 Iss: 1, pp.49 – 68.
33. Johnson, P., Smith, A. J., & Nelson, M. D. (2003). Predictors of social interest in young adults. *The Journal of Individual Psychology*, 59(3), 281-292.

34. Kawachi, I. (2001), Social Capital for Health and Human Development, The Society for International Development, Vol. 44, pp. 31-32.
35. Kerri E McPherson, Susan Kerr, Elizabeth McGee, Antony Morgan, Francine M Cheater, Jennifer McLean and James Egan (2014) The association between social capital and mental health and behavioural problems in children and adolescents: an integrative systematic review, BMC Psychology 2014:7.
36. Marx, K. (1967), Capital, Vol. 1, 2, 3. New York, International publishers.
37. Mc Mishael, Philip (2004). Development and Social Change a Global Perspective. Pin for GE Press.
38. Morgan A. (2010). Social capital as a health asset for young people's health and wellbeing. Journal of Child and Adolescent Psychology. 2010, S2: 19-42.
39. Morgan A. (2011). Social Capital as a Health Asset for Young people's Health and Wellbeing: Definitions Measurement and Theory. 2011, Stockholm: Karolinska Institutet
40. Putnam RD. (2001) Social Capital: Measurement and Consequences. Isuma: Canadian Journal of Policy Research [Internet]. 2001; 2 (spring 2001), Pp.41-51.
41. Putnam, R (2003). "Ethnic diversity and social capital", paper presented at "Ethnic Diversity and social capital" seminar, Families & social capital ESRC Research Group in association with the Economic and social Research council and British Academy, 24 June, British Academy, London.
42. Putnam, R. (1993), making democracy work: Civic traditions in modern Italy, Princeton, NJ, Princeton University Press.
43. Savage, M., & Bennet, T. (2005). Editors' introduction: Cultural capital and social inequality. The British Journal of Sociology, 56(1), 1.
44. Schwartz, H.Sh. and Galit, S. (2000), Value consensus and importance Across-National study, Journal of cross-culture Psychology, Vol. 31, No. 4, July, Pp: 465-497.
45. Schwartz, Sh. H. (2006), Basic Human Values: Theory, Measurement, and Applications, the Hebrew University of Jerusalem.
46. Vyncke V, Maes L, De Clercq B, Stevens V, Costongs C, Barbareschi G, Jónsson SH, Curvo SD, Kebza V, Currie C (2013). Does neighbourhood social capital aid in levelling the social gradient in the health and well-being of children and adolescents? A literature review. BMC Public Health. 2013, 13: 65-65. 10.1186/1471-2458-13-65.

Archive